



زیرا در ظل حال مبارکیم قلوب ما بیشتر بشارت است و دست مشام ما معطر بنفحات ملکوت الهی است  
 کوشش ما قند بندای الهی و روح ما زنده بقیوضات رحمانی یقین است چنین روزی فرمودش  
 نخواهد شد انتهی عصر پس از گردش سواره از باغ بزرگ بروکلین چون بنیویورک مراجعت  
 فرمودند در خانه مبارک جمعیت بودند و سرمودند میخواستیم قدری تنها باشم لهذا با ما  
 نزدیک منزل کنار شهر شریف بردند و پس از چند دقیقه مراجعت و برای حبس نطقی  
 از آهنگ ملکوتی و ارغنون الهی سرمودند روز ۲۱ جمادی الاخره (۷ جون)  
 از یکی از ملازمان حضور غفلت و جسارت عظیمی بظهور رسید که بسیار سبب حزن قلب اظهر  
 و بندگان آستان قدس گردید ولی نظر باغماض و ستر مبارک خدام حضور تا کنون از حرکت  
 او که اکثر ایام سبب که ورت میکل انور بود و ابد چپیزی ننگاشته اند باری انروز بحیث  
 اجابت دعوت رؤسای کنائس فیلا دلفیا و رجای حبسای ان شهر از نیویورک حرکت  
 فرمودند در حالتیکه وجود اظهر در نهایت ضعف و خستگی بودند و بسیار متأثر با وجود این  
 در محافل اجبای فیلا دلفیا انروز و شب مکرر نطق در ثبوت اجبا و خدمت و صداقت را امر الله  
 و بلا یای فی سبیل الله می فرمودند که مقصد از ظهور عظمی و تحلل بلا یا و مصائب عظمی و شهادت  
 نفوس مقدسه و زحمات همی اکمل قدسیه تزکیه نفوس بود و نقطع قلوب و بشارت  
 ارواح و نورانیت و روحانیت اجبا و نظر شدت ضعف و خستگی از بعضی محافل هم عذر خواستند  
 و شریف نبردند اما اجبا از شور و ولوله در محافل وصل و لقا گاهی چون پروانه جان باخته بودند  
 و گاهی مانند بیل شیدا در حد و ثنا ناطق دگویا آنی آرام نداشتند و دمی تسرار و سکون

نیخواستند روز ۲۲ جمادی الاخر (۸ جون) دو مجمع عظیم در دو کلیسا بنیامین صبح  
در کلیسای یوقیرین فیلا دلفیا خطاباً در مفصل و حقیقت الوهیت و حسن قول حضرت مسیح  
که من مودالاب فی الابن) و نوید ظهور اسم اعظم و تشریح بعضی از تعالیم بدعیه منسوخ نمودند  
و مجلس را بنا جاتی فارسی ختم کردند و جمعیت چنان منقلب گشتند که همه بجهت تشرف  
دقیقه تقریب میخواستند ولی برای هر کس ممکن نبود مجلس ثانی شب در کلیسای متیس بود  
که چون تیس شهر آن کلیسا چندی پیش اعلان تشریف فرمائی و خطاب حضرت عبداللہا  
بجهت انروز نموده و از بزرگان و وزراء و اشنگتن و اطراف نفوس کثیره را دعوت  
کرده بود لهذا آن مجلس بسیار مهم و خطاب مبارک مفصل در خصوص طریق فلسفه طبیعی  
و طریق دیانت الہی و شرح تعالیم مسلم علی بود که تاثیرات بیانات صادره از منم اظہر  
جمیع را منجذب نمود چنانکہ نفوس محترمه در ساحت انور نہایت خلوص و خضوع اظهار  
می نمودند و تشرف افتخار می کردند و قلب مبارک از آن مجامع بسیار سرور شد  
بد رجہ شے کہ کر ذکر محافل و کنائس فیلا دلفیامی منسوخ نمودند روز ۲۳ جمادی الاخر  
(۹ جون) صبح چون فیلا دلفیا عزم مرجعت نیویورک منسوخ نمودند جمع کثیری از دوستان  
و اجداد حضرت و انفسوس از دوری آن روی منور بودند و بسیار مخزون و مکذرو  
تا بسگاہ خط آہن ہمہ در تبیل و کبیر و رچی عون و عنایت طلعت غیر صحبت مبارک  
انروز در مجمع حبسای نیویورک حکایت از سفر فیلا دلفیا بود و با کمال تاثیر مقصود مبارک را  
از سفر خویش بیان می کردند و از مقامات روحانی و مراتب معنوی کہ نتیجہ حیات انسانی است

لفظی مفصل فرمودند و انروز الواح عدیده از نسیم الطهر صادر و نازل منجمله بافتخار سیو  
 و یغوس این لوح مشیع بود بمواته ای یا محسبان چند و زبیب دعوت  
 دوشیش و رجای آتسای الهی بفیلا دلیقارستم دو مجلس مفصل در دو کلیساشد و بقدر عجز  
 خود جستی دایتم لکن تایدات ملکوت ابھی احاطه کرد و مثل آفتاب نمایان بود هر چند ضعیفیم  
 ولی او قویست هر چند فقیریم ولی او غنی باری آی مبارکه دنصر من قام علی نصره امری بجنود  
 من الملائکة الاعلیٰ قبیل من الملائکة المقربین واضح و آشکار گردید رسید وارم تو با اتمه لیهادرین  
 سفر نجد متی نمایان موفق گردید و سبب اعلاء کلمه الله شود به تحت محترمانه مرا با اتمه البهار برسان  
 از حق اورا تاسید و توفیق طلبیم و علیک البها الابهی سع در آن ایام هم هر روز شب  
 جمعی از جنبا علاوه از خدام حضور سر نیز نامار و شام در محضر طلعت مجبور بودند و انشب بیانات  
 مبارکه در ذکر ایام خبدا بود و اینکه جمال مبارک بعد از دار استلام و آورند در محفل عمومی نطق  
 نفرمودند و طرز نطق و بیان مبارک عجیب بود ولی نظیر و عدیل ولی من جتسرا مانسوخ هم بان  
 طرز نطق نمایم « روز ۲ جمادی الاخر (۱۰ جون) صبح پس از اواراد و اذکار خدام  
 حضور را حضار و امر بتلاوت مساجات فرمودند بعد ششیت بعض امور مشغول اما نطق مبارک  
 در مجمع اجبا انروز در خلافت داخله ادیان بعد از صعود و مطالع فیض یزدان بود و اینکه  
 جمال مبارک سد ابواب نیگونه اختلافات فرمودند و امور راجع بیت العدل اعظم کردند  
 که آنچه او حکم کند کل اطاعت نمایند و حتی سپه نمودند که اگر از بهائیان دوشسرقه شوند  
 و هر یک بیت عدلی بنا کنند و مخالفت یکدیگر نمایند هر دو باطل است و قبل از

بیت احمدل مرکز میثاقی را تعیین و تأیید فرمود که آنچه او می‌کند صحیح است و عهد او را  
 بقلم مبارک گرفت الی آخر بیانه الاحلی آن ایام غلب در محافل اهل بهای با تأثر شدید نطق  
 فرمودند و نصح مشفقانه با آه و فسوس از لسان اهل جاری و حال مبارک حزن انگیز بود عصر  
 بمنزل قونسول ایران ستر توپاکیان تشریف بردند چون مراجعت بمنزل مبارک فرمودند  
 یکی از دوستان در مجمع از تاثیرات خواب سوال نمود که مکرر واقع شده و نفر در د محل خود  
 از یکدیگر در آن وجه یکدیگر را صد می‌کنند و سخن یکدیگر را می‌شنوند و می‌شناسند فرمودند  
 معلومت باین روح انسان و حقایق موجودات ارتباطی عظیم است چنانچه گاهی  
 آنچه در خواب می‌بینند در بیداری واقع می‌شود بلکه در بیداری وقتی که قلب  
 فارغست اموری بخاطر می‌گذرد که بعد صورت خارجی پیدا می‌کنند پس بین ذهن  
 انسان و آن صورت خارجی ارتباط روحانیت و روح دارای قوه کاشفه است  
 چون این قوه معلوم شد این مسائل آسان می‌شود با وجود این مزه اینجاست که مادیون  
 در حالتیکه انکار قوه روحانیت می‌کنند خود مشغول کشف طبقات ارضند و غرق قوه  
 روحانیت و مدعی آگاهی از اوضاع آتیه انتهی ازین قبیل مذاکرات در محضر نور مفضل و مکرر  
 بود روز ۲۵ جمادی الاخر (۱۱ جون) صبح بعد از نماز و نیاز آمد و شد نفوس  
 شروع شد نفوسیکه عرائض مخصوص داشتند یا بستدی بودند در اوقات مبارک  
 مشرف میشدند و بعد در بیرونی بجمع تشریف فرما شده نطقی در خصوص ایمان و تشریح  
 تقلیدی احزاب و ادیان و تبیین مقاصد بسیار و نفوذ امر حضرت بهار الله فرمودند

در خسته مجلس شخصی پرسید که با وجودیکه امر بانقطاع از دنیا در الواح الهیه نازل چگونه است  
که هر نفسی کسب و صنعتی فرض شده آیا این دو ضدیت است؟ فرمودند در امر بهار الله  
بر هر نفسی اشتغال بصنعت و کسبی فرض است مثلاً من حصیر بانی میسدا نم و شما صنعت  
دیگر این عین عبادت است اگر با نهایت صداقت و امانت باشد و این سبب ترقیت  
آما با وجود مشغولیت اگر قلب تقید و تعلقی باین دنیا نه داشته باشد و از حوادث متاثر  
نگردد نه با ثروت عالم از خدمت نوع انسان ممنوع ماند و نه از فقر محزون شود این  
کمال انسان است و الا در حالت فقر اظهار کرم و با حال ضعف ادعای عدل نمودن قوی است  
آسان نه دلیل بر تربیت و تذکر و وجود انسان انبی و دیگری عرض نمود چون وجود مبارک  
تشریف می بر ند بعضی از خدام لابد خود را مقدم خواهند گفت چگونه ما آنها را بشناسیم فرمودند  
«در این خصوص من صحبت داشته ام ولی شما بفرموده مسیح آنها را از اعمالشان بشناسید  
کسانی که من منسوبند از اعمال شناخته میشوند الی آخر بیان الی الاصلی روز ۲۶ جمادی الاخر  
(۱۲ جون) چون جمعیت کثیر دائم میآمدند و هر روز هر یک مستعدی تشریف مخصوص بودند  
و این منافی با حالت خستگی و قلت مجال مجال بمثال بود لذا از روز صبح فرمودند که برگرد  
از پیش ملاقات نشده یا کاری لازم دارد خبر دهید و سایرین را در مجمع عمومی ملاقات  
خواهم کرد زیرا فرصت و مجال ملاقات فسرده غیر ممکن و مجال «لهذا بعد از  
تشریف جمعی از بستیدها و رسیدگی با موراجبا پائین تشریف برده در بیرونی لفظی عمومی  
در این خصوص فرمودند که یکی از خصائص حکام حضرت بهار الله که در دو ده ای سابق نبود و سبب

ولمن وطلب مغفرت بجهت دشمنان است، عصر جمعی دیگر مشرف و از جمله بیانات مبارک که  
اهمیت نسبت روحانی و انجذاب و جدانی و تعلقات قلبی بود که هر چند عل و قبائل  
با یکدیگر قرابت جسمانی دارند لکن در عالم جان و دل از یکدیگر متنفرند اما نفوسیکه نسبت  
روحانی دارند و تعلقات و جدانی همیشه جان شاریکد گیر نمایند و لوی بظا هر سوب نباشند  
(بعین سببی ذکر تقدم این عصر نورانی فرمودند که) در حدیث شیعیه ان و خصوص ظهور  
موعود مذکور که علم بیت و هفت حرفست آنچه از بد و تا ختم مظاہر البتیه ظاهر شد و در حرف  
ان را ظاهر کردند اما چون قائم موعود آید با تمام بیت و هفت حرف ظاهر شود گذشته  
از معانی حقیقی در عالم امر که غلبه و قدرت امر الله و ظهور آیات و بنیات و توضیح مسائل  
البتیه و برهه را سر اکتب مقدسه و احاطه علمیه در این ظهور اعظم صد چند است بظا هر هم  
جمع عقلای این عصر مقررند که علوم و فنون و صنایع بدیع این قرن مقابل پنجاه قرن است  
بلکه اعظم از آن استی روز ۲۷ جمادی الاخره (۱۳ جون) صبح و عصر چند نفر  
از شیشهای مشهور مشرف شدند و وجود اقدس را بکلیسای خود دعوت نمودند و  
از شرف بلقا و شاید فیوضات و مواهب کبری بی نهایت خاضع و خورسندگشتند  
و پس از مخصی آنها چند مرتبه از روی بجهت اجاب و بستدیها از اقتدار جمال مبارک بیان مینمودند  
و اوقتی با سطوت و همینه عظیم حکایت او خسر ایام عبدحمید و مضربات مخالفین  
و معاندین می نمودند که با وجود این ظلمها و بلاها امر الله غالب و عدا الله نافذ گردید حتی مهیت  
و اعضا تفتیش که در عکاسه ساعتی طلعی شدید و فترت عظیم مجری داشتند چون باطن

و معاندین در عکابیت محو و اضمحلال ما هم صلاح گشتند و رجوع با سلامبول نمودند هنوز من  
 راه بودند که قهر لاهی آنها را گرفت امر تغییر کرد و همیشه ظالمین ذلیل شدند بعضی ازان سبقت  
 گشته و مقتول و بعضی فسارگی گشتند آخر کی ازانها در بر مصر نزد اجاب رفت و بجهت  
 قوت لایموت سوال نمود عصر در مجمع اجناد و مرتبه نطق فرمودند اول در باب  
 اختلاف بین اجبا که حضرت بهار الله فرموده اند که هرگاه اهل بها اختلاف کنند ولو  
 در باره خود بهار الله باشد در صورت اختلاف هر دو طرف باطلند و کل را بر رجوع بیت  
 عدل امر کردند و قبل ازان امور را بر کزین شاق رابع و کل را امر باطاعت فرمودند انتهی  
 پس ازانکه استرحتی جمعیت دیگر شریف فرما شده و در ماه الاستبیا از عالم انسانی  
 نطقی فرمودند که عنوان آن این بود (هوا شد) خسته بودم قدری خواب بیدم در خواب  
 میدیدم که باشما با صحبت میدارم ولی بصوت جلی که از صدای خودم بیدار شدم یک  
 کلمه ازان صحبت در خواب عبارت استبیا بود لهذا خوبست از کلمه استبیا گفتگو مایم  
 الی آخر بیانہ الاصلی روز ۲۸ جمادی الاخر (۱۴ جون) جمیع خدام را احضار و بدست  
 مبارک چای عنایت و اظهار شفقت می فرمودند صحت و سرور و میل الطهارت و زخیلی  
 بهتر بود پس از تلاوت مناجات حکایت از انقطاع و عبودیت و صدق و امانت  
 بعضی از قدامای اجباب می نمودند و بسیار اظهار عنایت بحضرت متصاعد بلکوت بھی  
 سیدتی نشادی روحی ترتبه لهند آمد می فرمودند که قدر و مقام او بعد معلوم  
 خواهد شد عصر در محفل عمومی نطق مبارک در تفسیر کلمه و آیه استدای نخل بود و بیان



حقیقت منظر الهیه و انوار شمس احدیه و شب شرمی مفصل با سلطوت و اقتدار از عظمت  
 ایام جمال مبارک منسب نمودند که با وجود آنکه در حبس بودند خیمه مبارک بالای جبل کرمل در نهایت  
 جلال مرتفع و بظاہر ظاہر قدرت و اقتدار بدرجہ شایسته بود که متصرف و کاخ سال میخواست  
 بساحت اقدس مشرف شود قبول منسب نمودند و ابداعتنا نمودند و بعد تفصیلی  
 از نطقهای مبارک در کنائس و مجامع امریکائی منسب نمودند که بحسب استعداد نفوس و مقتضیات  
 وقت است بہر طفلک آن پدرتی می کنند گرچه عقلش ہندسہ رنگینی کند و ہم محلی از انا حضرت  
 علی و الواح جمال بھی روحی لعباد بہا منسب و مقتضیات ایام و اوقات منسب نمودند  
 روز ۲۹ جمادی الآخر (۵ جون) جمال مبین در دو کلیسای بزرگ بروکلین مدعو و موعود بودند  
 لهذا ساعت ده قبل از ظهر از نیویورک حرکت فرمودند و جمعی خدمت امیرانی و اجنبای  
 امریکائی ہم ملزم رکاب اقدس بودند ساعت یازده کلیسای یونینترین بقصد دوم ظهر  
 مشرف وقتیکہ مرکب مبارک نزدیک رسید اعلانی بخط جلی بیرون کلیسا دیدہ شد  
 کہ ترجمہ آن ایست کہ "پیغمبر جلیل ایرانی حضرت عبدالبہار در روز ۵ جون ساعت یازده  
 قبل از ظهر در این کلیسا نطق خواهند فرمود" و این اعلان خیلی بنظر ملزمین رکاب مبارک  
 عجب آید کہ قسین اعلان پیغمبری حضرت عبدالبہار ابر در کلیسا نصب نماید و محض ورود  
 مبارک قسین مذکور بیرون آمدہ از دم در با نهایت افتخار و تعظیم بازوی مبارک  
 را گرفته تا محراب کلیسا بر خطابہ مبارک در آن کلیسا در مراتب وحدت توحید بود و در آخر  
 مناجاتی بلسان عربی فصیح و بلیغ در حالتیکہ دستہای مبارک مرتفع بود و جمہ

بجهت ترجمه میشد پس از ختام و تعظیم و خضوع اهل کلیسا نظر بر جای کشیش بدست اطفال  
 متعلق بهمان کنیه شریف بردند و بعد از سرود و تعظیم اطفال نطقی در تربیت و ترویج  
 آنها فرموده حرکت نمودند نامار را در بروکلین منزل سترکنات شریف داشتند  
 و را اینجا هم مجمعی از حبا و بستدیها در اول شب بود که در وصایا و نصح و شکرانه  
 عطایا و مواهب الهی نطقی مفصل نموده از اینجا کلیسای کانگرتین بروکلین شریف فرمادند  
 مجمع و محفل آن کنیه در آن شب بسیار باشکوه و جلال بود و روحانیت محسوس عموم و  
 طلعت عهد یزدانی در تبلیغ امر الهی خیر میسر و گذار فرمودند و نطق و بیانی مفصل در  
 آزادی وجدان و اتحاد ادیان و تقالید و احتجاب امم و حقیقت اسلام در نهایت اقتدا  
 و جلال فرموده غنهی بطهور اسم اعظم و تعالیم مسلم قدم نمودند با وجود چنان خطابه  
 همین و بیان حقیقت اسلام جمیع حضور مبارک آمده اظهار شکر و ممنونیت می نمودند  
 چه کشیش چه پرنس چه غنی چه فقیر چه رجال چه نساء علی الخصوص روزنامه نویسها همه  
 بهرج و ثنا مشغول بودند و نفسی ادنی اعتراضی ننمود بلکه ستیز آن کلیسا چنان سرگرم  
 محبت جمال مبین بود که تا حین حرکت نکرد در رکاب مبارک رجا نمود که وقت دیگر را وعده  
 تشریف فرمائے بان کلیسا و اداء خطابه دیگر فرمایند ولی از عدم مجال و کثرت  
 اشغال قبول نفرمودند و فرمای از وزعین خطابه مبارک و وضع محفل آن کنیه در  
 روزنامه بروکلین انگل شایع و منتشر گردید روز اول ماه رجب<sup>۱۳</sup> (عاجون) صبح  
 ذکر محفل شب گذشته در کلیسای بروکلین میسر نمودند که ما اینطور اثبات حقیقت اسلام

در کنائس و معابد عظیمه می نمایم و مسلمانان درباره ما چه میگویند بعد شرحی مفصل از تعالیم بدیعیه جهت یکی از مصنفین مشهور امریکائی نمود و شخص مذکور از آن تحسیر مثبت و اجازه طبع و نشر از حضور انور حاصل نمود و اما عنوان نطق مبارک در مجمع عمومی آنروز این بود که "عالم مادی هر قدر ترقی کند باز محتاج تعلیمات روح القدس است" و آن ایام اکثر اخبار امر تبلیغ و مسافرت با طرف می نمودند و می نمودند با دیدن نهایت خضوع تبلیغ امر الله پردازند همینطور که من نزد عموم حتی اطفال خاضع شما هم باید چنین باشید و شرحی در مراتب عبودیت از فم اطهر صادر گردید که در ایام جمال مبارک من ابد اایل به تحسیر نبودم بدرجه شئی که از اطراف اجباله می کردند و خسر در جواب پنجاب در قانوشتم که با وجود صریح مسلم علی تحسیر دیگر چه لزوم اما دیگران در یوم طلوع نیر عظیم خود در شمس الله الاکبر نوشتند الی آخر بیانہ الاحلی روز دوم رجب (۱۷ جون) نظر بهر جای اجباب برای گرفتن عکس متحرک بیرون کلین منزل مستر کنات شریف بردند اول عکس ورود مبارک با سرعت و سیرا تو میل و تعظیم و تکریم اجبا و استقبال آنها بود ثانی عکس مشی خود ام طلعت مجبور و فرمایشات بلازمین حضور که می نمودند "ملاحظه قدرت جمال قدم و نفوذ اسم عظیم نماید که ما را با اهل امریکا باین نحو الفت و اتحاد داده اگر جمیع قوای عالم جمع میشد ممکن نبود با ایندرجه قلوب منجذب گردد و ما را در چنین محفل باین محبت مجتمع شویم و بدل و جان یکدیگر را دوست داریم بیسند قدرت بهار الله چه کرده و اهل شرق و غرب را چگونه محبت یکدیگر

در کنائس و معابد عظیمه می نمایم و مسلمانان در باره ما چه میگویند بعد شرح مفصل  
 از تعالیم بدیعه بیست یکی از مصنفین مشهور امریکایی فرمودند و شخص مذکور از آن تحسیر مثبت  
 و اجازه طبع و نشر از حضور انور حاصل نمود و اما عنوان نطق مبارک در مجمع عمومی امروز  
 این بود که "عالم مادی هر قدر ترقی کند باز محتاج تعلیمات روح القدس است"  
 و آن ایام اکثر اخبار امر تبلیغ و مسافرت با طراف می نمودند و می فرمودند باید با  
 نهایت خضوع تبلیغ امر الله پردازند همینطور که من نزد عموم حتی اطفال خاضع شما  
 هم باید چنین باشم و شرحی در مراتب عبودیت از فم اطهر صادر گردید که در ایام جمال  
 مبارک من ابد اایل به تحسیر نبودم بدرجه شئی که از اطراف اجناس می کردند و تحسیر  
 در جواب پنجاب در قانوشتم که با وجود صریح مسلم علی تحسیر دیگر چه لزوم اما دیگران  
 در یوم طلوع نیر عظیم خود در شمس الله الاکبر نوشتند الی آخر بیانہ الاصلی روز  
 دوم رجب (۱۷ جون) نظر بر جای اجاب برای گرفتن عکس متحرک سیر و کلین منزل متر  
 کلمات شریف بردند اول عکس ورود مبارک با سرعت و سیراتوبیل تعظیم و تکریم  
 اجبا و استقبال آنها بود ثانی عکس مشی خود ام طلعت مجبور و فرمایشات بلازمین  
 حضور که می فرمودند ملاحظه قدرت جمال قدم و نفوذ اسم عظیم نماید که ما را با اهل  
 امریکا باین نحو الفت و اتحاد داده اگر جمیع قوای عالم جمع میشد ممکن نبود با ایندرجه  
 قلوب منجذب گردد و اما در چنین محفل باین محبت مجتمع شویم و بدل و جان یکدیگر را دوست  
 داریم بپنسید قدرت بهار الله چه کرده و اهل شرق و غرب را چگونه محبت یکدیگر



Moving picture by Special Event Film Co. of New York City.



ساخته اگر قدرت او نبود و تشکیل این محفل غیر ممکن بود احمد شریع متحد و متنق و یک قلب  
 و یک روح هستیم انہی ثالث عکس مشی مبارک تہا در حالت سخن و نطقی طبع بود کہ میفرمود  
 آیات او باہر است قدرت او کامل است اللطاف او شامل است رحمت او وافر است  
 رابع عکس جلوس مبارک با اطفال سیاهان و سفیدان امریکائے بود و قیام ختام  
 ایرانی در ظل عنایت پنجم عکس مجمع عمومی و شرف اجابہ در حال مشی۔ و نطق مبارک  
 و دست دادن و مخص شدن دوستان از محضر قدس و آن روزاوقات مبارک  
 صرف آن محفل حلیل شد و اجبارا در آن بساط انبساطی عجیب بود اما بیانات مبارکہ  
 در آن مجمع شرف اجابہ کہ بملہ ترجمہ میشد این بود ( ہوا تہم) مژدہ مژدہ باد کہ شمس  
 حقیقت طلوع نمود مژدہ باد مژدہ باد کہ اور شلیم جدید از آسمان نازل شد مژدہ باد  
 مژدہ باد کہ بشارت الہی ظاہر گشت مژدہ باد مژدہ باد کہ اسرار کتب مقدسہ  
 اکمال گردید مژدہ باد مژدہ باد کہ یوم کبر آشکار شد مژدہ باد مژدہ باد کہ علم  
 وحدت عالم انسانی بلند گردید مژدہ باد مژدہ باد کہ خیمہ صلح عمومی مرتفع گشت مژدہ باد  
 مژدہ باد کہ سراج الہی روشن شد مژدہ باد مژدہ باد کہ نسیم رحمانی وزید مژدہ باد  
 مژدہ باد کہ بشارت و نبوات انبیا ظاہر و ہوید گشت مژدہ باد مژدہ باد کہ  
 بہاء کرمل بر آفاق تجلی نمود مژدہ باد مژدہ باد کہ شرق و غرب دست در آغوش یکدیگر  
 شدند مژدہ باد مژدہ باد کہ آسیا و امریکا مانند دو مشتاق دست بیکدیگر دادند انہی  
 و بعد از آن مجلس بیدین یکی از جنابای مایار کلیمی برا کوت پنج چہل میل راہ شریف



برده شب هشتگی زیاد بنیویورک مراجعت فرمودند روز ۳ رجب  
 (۱۸ جون) در مجمع عمومی کمر ذکر لوح غصن می فرمودند و نطق مبارک در خصوص عهد  
 و میثاق بود و پس از مجلس بسیاری رجای اذن تشریف خصوصی ننوده تا ظهر  
 در ساعت اقدس تشریف نفوس پی در پی بود و از روز رساله حضرت ابوالفضل  
 روحفدا در رد اعتراضات سپح من کشیش لندن بحضور مبارک رسید بسیار  
 مقبول گردید و امر مبارک بترجمه طبع آن صادر شد و شرحی از سویر حال و افکار  
 یوتیها موسوم بچیا ئے از لسان اطر جاری و عصر جمعی از اجتام شرف بودند و ذکر  
 مناظر و محلات با صفای امریکار بعضی می رسانیدند فرمودند "ما محافل و فارا  
 دوست داریم نه مناظر با صفا و انا و فا اول باید بخدا و او امر و عهد او نمود و بعد  
 به بندگانش اگر هم ما محلات خوش و مناظر با صفا ئے دیدیم یا محض کار و ملاقات  
 نفوس بود یا حین عبور و مرور انتهی و آن ایام گاهی حال عجیبی از هیکل مبارک معلوم  
 می شد مانند ایام اقامت طلعت نور در زیتون مصر که انتظار شهادت و آرزوی فدا ئے  
 در آستان احدیت داشتند و از جمله الواحی که آن اوقات از رسم طهر صادر لوجی  
 با فتح حضرت متصاعد بملکوت ابھی آقا رضای قنار و مهاجر در همین خصوص بود بعضی  
 از بیانات آن لوح مبارک نیست " و فاقصنا آوارگی در این کوه و صحرا نماید و وفاء  
 حقیقی وقتی است که سرگردان و بی نام و نشان گردم و در میدان فدا هدف تیر جفا  
 شوم رب قدر بعدک غایه الهی و بده ابو هبه التي تلوح و تضيئ كالشمس ساطعة البهر فی





Abdul Baha in Brooklyn.

The Bombay Art Printing Works, Fort,



افق الوفاء باری یکت رجا از اجبای حضرت بهامی نمایم و آن نیست که در استان بقتس  
 سرسجده نهند و از برای عبدالبهائم پرخطاکا کس فدا طلبند تا در عبودیت استان  
 به با بقطره شے از بجز و فاکام شیرین نماید الی آخر بیانہ الاحلی روزم رجب  
 (۱۹ جون) با اجبا و دل غم نمودند که فردا عازم موننگر گردند و از روز دیگر مجمع نطقی در نصیحت  
 و تشویق اجبا و امر بافت و اتحاد و تخدیر از تفریق و اختلاف مفضل فرمودند بعد بالکاس  
 و اصرار اتمه اندس جولیت تا من بمنزل عکاس شریف بردند و چند قسم عکس مبارک را  
 برداشتند و مشارالیه با چون خود نقاشی و رسم بود در آن چند روز شمایل مبارک را پست  
 خود کشید و عصر از قبیل نفوس شرف بودند اول کبشیشی در آسایش شبر و وحدت  
 عالم انسانی صحبت فرمودند بعد سن سنت که از خانهای مجله فیلا دنیا و تانیه تصدیق  
 نموده بود رجا ای همی فارسی نمود و بایشان نام تاینده عنایت شد و در محالجه  
 صراع او ادویه شے بیان کرده بودند تو باید همیشه سرور باشی و با اهل نیباط و  
 سرور محشور و با خلاق رحمانی متخلق نیر سرور خلیت در حفظ صحت دارد و از کدورت  
 تولید امراض شود آنچه مایه سرور دای است روحانیت است و اخلاق رحمانی که  
 حزنی در پی ندارد اما سرور جهانی در تحت هزار گونه تغییر و تبدیل است یا شنیده اید؟  
 حکایت آن امپراطوری را که در آینه نگاه می کرد و اظهار حزن و اندوه می نمود و می گفت  
 آه چه جسم لطیف پر طراوتی داشتم حال چه پژمرده گشته چه صورت زیبائی داشتم  
 چگونه زشت شده چه قامت رعنائی داشتم چه طور خمیده گردیده یکت یکت حالات

جوانی را شرح میداد و اظهار کرد ورت می نمود این است نتیجه سر و جسمانی یکی از دوستان  
 دیگر از بلای وارده و حوادث ناگهانی سوال نمودند سر بودند سلسله موجودات بیک  
 قانون عمومی و نظام الهی مربوط است و جمیع کائنات بسم مرتبط نمی شود حلقه ای از ان بهم  
 خورد مگر آنکه مربوط بان ارتباط و نظام عمومیت و آنچه واقع می شود از مقتضیات است  
 و مبنی بر حکمت بالغه زیرا این تقادیر الهیه است که هر گیاهی بر وید آخر پرمرد می شود و هر  
 زراعت سبز و جنس می خشک می گردد و هر جمعی پریشانی و هر ترکیبی تشتت میابد اینها همه  
 از مقتضیات آن نظام عمومی و رابطه کلیه است که بتقدیر الهی تعبیر شده است از اینگونه  
 حکم و مسائل مفصله در هر محفل از سان اظهار نازل و قلوب از فیوضات ابدیه استفیض می گشت  
 روز ۲۰ رجب (۲۰ جون) حرکت بنوشکر نمودند و بخانه شایسته که حسب الامر از پیش کریم  
 شده بودند نزول جلال سر نمودند زیرا آن ایام هوای نیویورک خیلی گرم و غلیظ بود و دوستان  
 بنوشکر بدنی پیش باز مسافرت مبارک را بان سر زمین سائل و مستدعی بودند و از شب  
 اول سترادس و خویشان ایشان بی نهایت تشادمان شدند و از شریف فرمائی مبارک  
 شکرگو و ثناخوان و اینعبید بدوستان شرق مرده داد که امید است وجود مبارک  
 در اینجا قدری از خشکی سفر آسوده گردند و تلافی کثرت مشقات و زحمات گذشته شود  
 اگر بگذارند باری آنشب شرمی از ایام اقامت جمال مبارک در بغداد و قیام طلعت قیوم  
 و عطاء امر و تربیت عباد سر نمودند . . . روز ۲۱ رجب (۲۱ جون) صبح حبسای  
 بنوشکر با جمعی از بستیدیها بمحضر طهر مشرف شدند و لطفی در فرق و امتیاز سلطنت



Moving picture of Abdul Baha in Brooklyn.

The Bombay Art Printing Works, Fort.

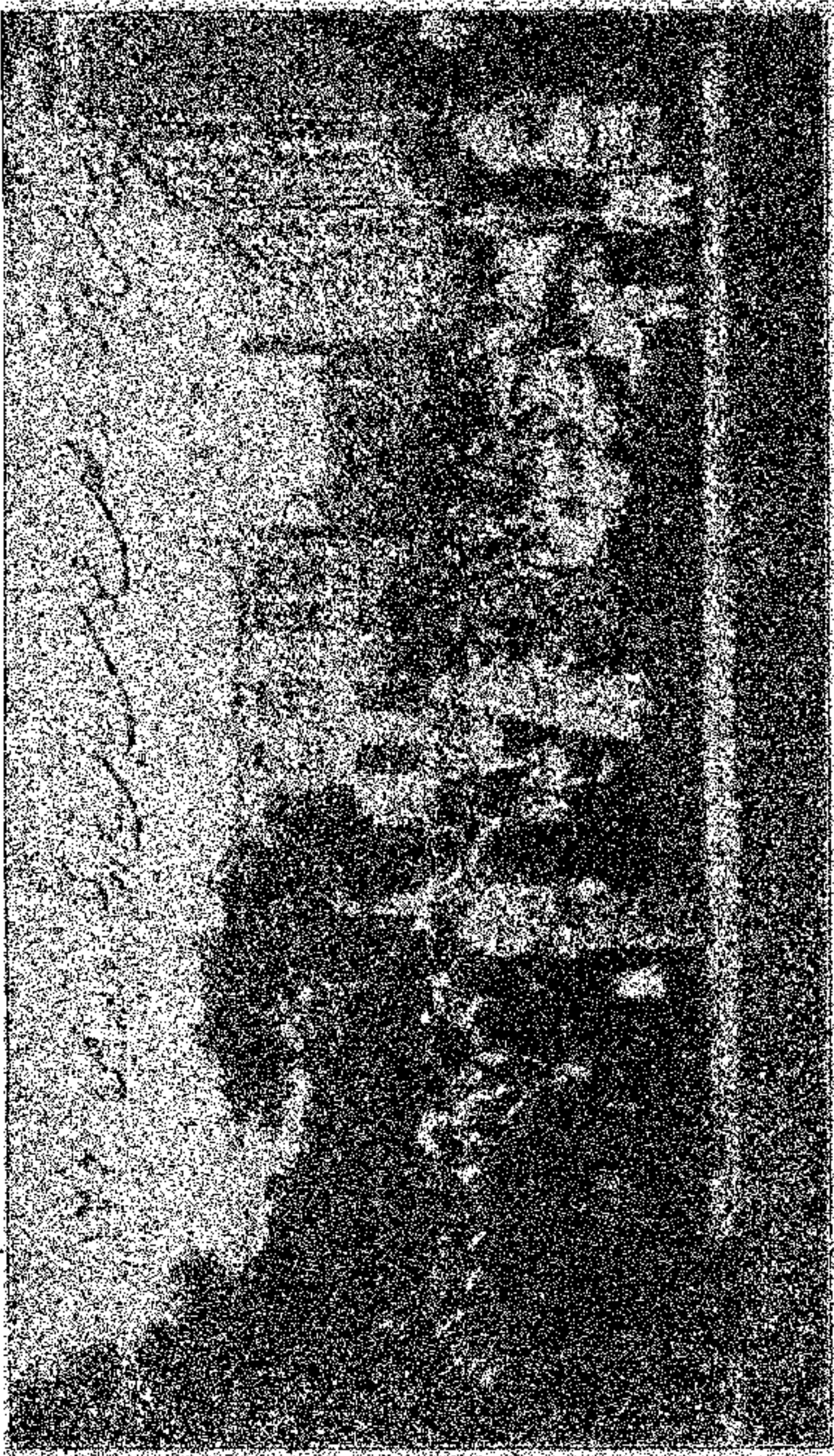


مظاہر البیتہ باسلطنت ملکی نشر نمودند و عصر جمعی از احباب اطراف بشرفلغافاز و منفخر  
 شرحی از مسائل البیتہ بیان فرمودند و اینکه اہل بہا ممنوع مدخلہ در امور سیاسی ہستند  
 و در سر کشوری مطیع حکومت و قانون و نظام آن مملکت بعد چند نفر از احباب کشتیش  
 کلیسای موخس دین مشرف شدند و سہلت کردند کہ در رکاب مبارک سوارہ کردشی  
 نمایند و مورد فضل و عنایت گردند از روز قاصدی با عریضہ و دعوتنامہ مخصوص از طرف  
 انجمن جشن سالانہ امریکاییہا بحضور مبارک مشرف و وعدہ خواہی نمود ولی وعدہ صریح  
 نمودند و موکول بجمال و فراغت بال نشر نمودند روز ۶ رجب (۲۲ جون) صبح  
 مطالبی در خصوص بیجا بیہامی نشر نمودند کہ چگونہ بومہم تنگند میگوشند در اول توقع  
 حضرت علیؑ بچی این عبارتست "من اللہ عزیرا لہجوب الی اللہ عزیرا لہجوب"  
 و حال آنکہ این عبارت در ہدایت توقع بحضرت دیان و سایرین نیز مسطور است و در  
 الواح جمال مبارک ہم از این قبیل عبارات بسیار و مراد از نفس مبارک بنفس مبارکست این  
 چه دخلی بچی دارد با آنکہ بخت خود بچی توقع با وجود است کہ می فرماید ارادۃ اللہ را از سید  
 حسین کاتب سؤال کن انہی از این قبیل از توہمات و فسادہای انہا در امور روحانی و  
 مسائل سیاسی ایران و صداقت و امانت بہائیان در خاور و باختر جهان بیاناتی  
 مفضل نشر نمودند و بیان مبارک منہی با و نام رؤسای ادیان گردید کہ چون علم را مخالف  
 دین دانستند مردم را با و نام انداختند عصر از روز جمع اجتابتین این بیان حضرت  
 مسیح رومی نشر نمودند کہ ہر کس میخواہد با من بیاید باید صلیب خود را بدوش خویش بردارد



پس ذکر شهدای این ظهور اعظم فرمودند تا بشهادت آقا میرزا عبدالوهاب شیرازی رسیدند  
 که چون از مجلس طهران عزم قربانگاه یزدان نمود اول در زندان سرب پر قدم حال مبارک  
 نهاد و بوسه داد بعد بایک یک از دوستان مصافحه نمود و چون ازین سررخص فارغ  
 شد رقصی کرد بشکن بشکن نموده عازم میدان فدا گردید و بیان ندای مبارک صین  
 صحبت چنان همین بود که زلزله بر ارکان نفوس انداخت و چون بذكر رقص و بشکن نمودن  
 رسیدند خود بحالت آن شهید درآمدند بشکن و نعره شکر زدند که آن کیفیت را محتم  
 نمودند بعد از مجلس مسفر بودند استقامت و کیفیت شهدای این ظهور را نسبت به صحاب  
 مسیح ملاحظه کنید مقام امروز کجا و مقام آن نفوس کجا بین تفاوت ره از کجاست تا کجا  
 شب باز جمعی در محضر انور از حبس و بستدیهامتیا و نطق مبارک در جواب سؤالات  
 پدر زن مستر ادل بسیار مؤثر و مفصل بود روز ۸ رجب (۲۳ جون) صبح  
 پس از او را دواذکار با بعض خندانم بازار شریف بردند برای خرید لوازم طبخ  
 و خود وجود اقدس رسیدگی با مورطیج می فرمودند و در این سفر غلبه اوقات چنین  
 بود علی الخصوص اوقاتی که همان مخصوص داشتند خود بطیج می پرده خستند و اتفاقاً  
 گاهی که کسی همان نبود رضی برحمت خدام و طبخ مخصوص نمی شدند و بجز شکر نان و پنیر  
 قناعت می نمودند با اینحال سلطوت جلالتش اعناق را خاضع می نمود فی الحقیقه  
 کمتر وقتی بود که جمع کثیری سر میز شام و ناهار در حضور مبارک مشرف و مفتخر بنیاشند  
 و چون از بازار مروت جهت نمودند و از امور مطبخ فراغت جستند در خصوص ترقیات اروپا





A moving picture of Abdul Baha and the Bahais of New York taken in Brooklyn.